

نادره افشاری

نمی‌دانم در کجا از قول علی شریعتی خواندم که برای شناختن یک دین، باید خدای آن دین را شناخت. در این نوشته نمی‌خواهم وارد بحث کلامی «خدا شناسی» و «خود را بشناس تا خدای خود را بشناسی» و داستان‌هایی از این دست بشوم. روحانیون و جسمانیون اسلامی آن‌قدر در این باب نوشته‌اند که برای همه‌ی خداشناسان و حتا خدا شناسان زنده و مرده کافی است. اگر کسی ۹۵۰ سال هم عمر نوح افسانه‌ای را داشته باشد، از پس خواندن آن همه نوشته بر نمی‌آید. به همین دلیل می‌خواهم در این بحث، خدای محمد را که در زبان اسلامی‌اش «الله» خوانده می‌شود، از زبان خود محمد و به قول مسلمانان از زبان قرآن و شخص «الله» به تصویر بکشم و نشان بدهم که خدای محمد و علی چگونه خدایی است و رابطه‌ای که با انسان‌ها یا در تعریف همین مسلمانان، با بندگانش برقرار می‌کند، چگونه است، و او خود را در کجای سلسله مراتب اداری احترامات جای داده است و انسان‌ها چه مقامی در این سلسله مراتب دارند؟!

مجبورم برای شناخت «الله» به کتاب «قرآن» مراجعه کنم که به گفته‌ی محمد هر رطب و یابسی در آن نوشته شده است و تمام رموز زندگی و تمام قوانین و همه‌ی علوم بری و بحری و فضایی برای همه‌ی پهنه‌ها و همه‌ی زمان‌ها و برای تمامی ملت‌ها با تمامی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها در آن مستتر است و اگر کسی به این دین بگردد و این «الله» را بپرستد، بار تمام مسئولیت‌ها از دوشش برداشته می‌شود و تمام زندگی‌اش خلاصه می‌شود در پیروی از احکام این «الله» و پیامبر این «الله» و اجرای دستورالعمل‌های نقل شده در کتاب این «الله» یعنی قرآن. پس دست اول‌ترین و مستقیم‌ترین وسیله‌ی شناخت این «الله» مراجعه به همین کتاب است. البته می‌شود برای محکم‌کاری از سخنان قصار محمد و علی و دیگر متولیان و امامان و خلفای اسلامی هم استفاده کرد؛ اما تا زمانی که ما منبع دست اولی مانند قرآن را در دسترس داریم، چرا به حاشیه برویم و به متونی مراجعه کنیم که ممکن است در نقل آن‌ها تاریخ نویسان خست به خرج داده باشند، اشتباه کرده باشند و یا کارهایشان خیلی قابل استناد نباشد!

به دلیل حجم زیاد و تکرارهای فراوان، تنها سوره‌ی گاو [بقره] را برای این کار برگزیده‌ام. دلیل بخصوصی هم نداشته‌ام، شاید به این دلیل که «بقره» بلندترین سوره‌ی قرآن است و جامعیتی که در آن هست - به این میزان - در دیگر سوره‌های قرآن نیست.

سوره‌ی گاو دومین سوره‌ی قرآن است. ۲۸۶ آیه دارد. و در مدینه نازل شده است. لازم به یادآوری است که صفات تکراری را از این مجموعه کنار گذاشته‌ام.

در سوره‌ی گاو یا «بقره» الله کسی است که:

بخشنده و مهربان است.

مرض را در دل مردم افزایش می‌دهد.

بر دل و گوش مردم مهر می‌گذارد.

مردم را مسخره و استهزاء می‌کند.

روشنایی را از مردم می‌گیرد و در تاریکی‌ها ره‌اشان می‌کند.

بر کافران احاطه دارد.

برای کافران آتش را آماده کرده است.

بین مردم تفرقه می‌اندازد. (۳۶،۲)

به کافران جهنم و آتش جاویدان را وعده می‌دهد. (۳۹،۲)

باید به او وفا کرد، تا به شما وفا کند. (۴۰،۲)

ترسناک است. (۴۰ و ۴۱)

به مردم دستور می‌دهد که همدیگر را بکشند.

برای او کشتاری که انسان‌ها از یکدیگر می‌کنند، ستوده است. (۵۴،۲)

بر فرق کسانی که می‌خواهند او را ببینند، صاعقه فرو می‌فرستد. (۵۵،۲)

مردگان را پس از مرگ زنده می‌کند.

برای کسانی که به حرفش گوش نمی‌کنند، عذاب آسمانی می‌فرستد.

برای همین مردم که به حرفش گوش نمی‌کنند، خواری و بیچارگی و قرین شدن با خشمش را مقرر می‌کند.

مردمی را که از حد خود تجاوز می‌کنند، تبدیل به بوزینه‌هایی خوار و خاموش می‌کند. (۶۵،۲)

هر آنچه را که پنهان است، آشکار می‌کند.

مردگان را زنده می‌کند.

از کردار مردمان غافل نیست.

کسانی را که کتاب [قرآن] را با دست می‌نویسند، تهدید می‌کند. (۷۹،۲)

مردم را به جهنم تهدید می‌کند.

مردم را در دنیا خوار می‌کند و در قیامت به سخت‌ترین وجه ممکن شکنجه می‌کند.

کافران را طرد می‌کند.

کافران را لعنت می‌کند.

فضل و کرمش را به هر که بخواهد می‌دهد.

کافران را به خواری عذاب می‌دهد.

کوه طور را بر سر مردم افراشته است.
ستمکاران را می‌شناسد.

زندگی دوستان را تهدید به عذاب می‌کند. (۲، ۹۶)
دشمن کافران است.

کسانی را که پیمانشان را می‌شکنند، رسوا می‌کند.
کافران را به عذابی دردناک تهدید می‌کند.

هر آیه‌ای را که منسوخ کند، بهتر یا همانندش را می‌فرستد.
فرمانروای آسمان‌ها و زمین است.

به همه‌ی کردار مردم بیناست.

در روز قیامت درباره‌ی اختلاف بین یهودیان و مسیحیان حکم خواهد کرد.

مردم حق ندارند به مسجدها جز با ترس و لرز وارد شوند.

برخی از مردم باید در دنیا و آخرت عذابی بزرگ از سوی او را انتظار داشته باشند.
صاحب شرق و غرب است.

فرزند ندارد.

صاحب همه‌ی زمین و آسمان است و همه هستی فرمانبردار اوست.

زمین و آسمان‌ها را او آفریده است.

اوست که اراده می‌کند و به چیزی می‌گوید: بشو و می‌شود.

او هر که را بخواهد هدایت می‌کند.

بجز خودش، هیچکس مسئول ورود مردم به دوزخ نیست.

بنی اسرائیل را مجبور می‌کند که از نعمت‌های فراوانی که به ایشان داده است، یاد کنند.

مردم را تهدید می‌کند که در آن روز موعود، هیچ فدیة و شفاعت و یاری‌ای کمکشان نمی‌کند.

با این که ابراهیم را خودش به پیامبری مامور کرده است، اما از فرزندان ابراهیم به عنوان ستمکاران یاد می‌کند. (۲، ۱۲۴)

کعبه را جایگاه امن قرار داده است.

کافران را در آغاز کمی برخوردار می‌دهد، سپس به عذاب دردناک دچارشان می‌کند.

از مردم می‌خواهد که تسلیمش شوند.

به نظر خدا، رنگ او از هر رنگی بهتر است!

غافل نیست.

صاحب مشرق و مغرب است.

هر که را که بخواهد هدایت می‌کند.

خودش مطمئن است که اهل کتاب از قبله‌ای که محمد اختیار کرده، پیروی نخواهند کرد.

پیامبر را تهدید می‌کند.

همه جا حاضر است.

باید از او ترسید تا نعمتش را بر کسانی که از او می‌ترسند، تمام کند.

ناسپاسان را دوست ندارد.

شکیبایان را دوست دارد.

کشته شدگان در راهش را جزو زندگان منظور می‌کند.

مردم را با ترس و گرسنگی و بیماری و نقصان در محصولات مرتبا آزمایش می‌کند.

کسانی را که به دلیلی [مثلا عقلی] قبولش ندارند، هم خودش لعنت می‌کند و هم وادار می‌کند دیگران لعنتشان کنند.

کافران را هم خودش لعنت می‌کند و هم فرشتگانش.

این افراد را به لعنتی همیشگی گرفتار می‌کند. هیچ تخفیفی هم به ایشان نمی‌دهد. حتا یک لحظه هم به ایشان مهلت نمی‌دهد.

خیلی‌ها را به سختی عذاب می‌کند.

کردارهای مردم را مایه‌ی حسرتشان می‌کند.

کافران را به کر و لال و کور تشبیه می‌کند.

مردم باید در حین استفاده از امکانات دنیا، مرتب او را سپاس گویند.

پنهان کنندگان کتابش را به عذاب آتش در شکم‌هاشان وعده می‌دهد. در روز قیامت با این دسته حرف نمی‌زند، فقط عذابشان می‌کند.

«قصاص» را مایه‌ی زندگی اعلام می‌کند.

باید او را به بزرگی یاد کرد. باید او را سپاس گفت.

اگر او را بخوانند، نزدیک است و پاسخ می‌دهد.

فرمان جنگ و کشتار را شخصا صادر می‌کند. (۲، ۱۹۰ و ۱۹۱)

باز هم خودش فرمان جنگ می‌دهد، تا تنها اسلام در جهان بماند.

فرمان دهنده‌ی تجاوز بر ستمکاران است.

دوستدار نیکوکاران است.

باید از او ترسید چرا که به سختی عذاب می‌کند.

آنانی که در این دنیا چیزی از او می‌خواهند، در آخرت چیزی نخواهد داد. (۲، ۲۰۰)

به سرعت به حساب همه می‌رسد.

فساد را دوست ندارد. خودخواهان را به جهنم وعده می‌دهد.
با کسانی که جانشان را در راه او فدا می‌کنند، مهربان است.
از همه اطاعت می‌خواهد.
شیطان را دشمن مسلمانان می‌داند.
مرجع همه‌ی کارهاست.
دگرگون کنندگان نعمت‌هایش را سخت عقوبت می‌کند.
در روز قیامت، خداترسان را بالاتر از کافران قرار می‌دهد.
به هر کس که بخواند، بی‌حساب روزی می‌دهد.
هر کس را که بخواند، به راه راست هدایت می‌کند.
جنگ را بر مسلمان‌ها مقرر داشته است، هر چند که آن را ناخوش می‌دارند.
گناه شرک را از قتل بزرگ‌تر می‌داند.
تباه کننده‌ی اعمال از دین برگشتگان و کافران است و ایشان را جاودانه در جهنم جای می‌دهد.
تبهکاران را از نیکوکاران باز می‌شناسد.
توبه کنندگان و پاکیزگان را دوست دارد.
مردان را بر زنان برتری داده است. (۲۲۸، ۲)
پیروزمند و حکیم است.
از او باید ترسید.
بیناست.
بر کارهایی که مسلمانان می‌کنند، آگاه است.
به مسلمانان چیزهایی را می‌آموزد که نمی‌دانند.
غالب و حکیم است.
مردگان را زنده می‌کند.
مسلمانان را به جنگ در راهش فرمان می‌دهد.
بر [افکار و کارهای] ستمکاران آگاه است.
دوستدار پافشاری کنندگان است (۲۴۹، ۲)
به وسیله‌ی کشتار دفع کننده‌ی برخی بر بعضی دیگر است. از این راه فضل و کرم خویش را ارزانی می‌دارد.
(۲۵۰، ۲)
برخی از پیامبران را بر برخی دیگر برتری داده است.
اگر می‌خواست مردم با یکدیگر قتال نمی‌کردند. او هر چه که بخواند می‌کند. (۲۵۴، ۲)

خدایی است که جز او خدایی نیست.
زنده و پاینده است.
همه چیز را می‌داند.
جز به اذن او نمی‌توان نزدش شفاعت کرد.
کرسی او در آسمان‌ها و زمین است.
یاور مومنان است.
مردم را به جهنمی که در آن جاویدان عذاب می‌کشند، وعده می‌دهد. (۲، ۲۵۷)
ستمکاران را هدایت نمی‌کند.
پاداش هر که را که بخواید، چند برابر می‌کند.
گشایش دهنده و داناست.
بی‌نیاز و بردبار است.
کافران را هدایت نمی‌کند.
هر که را که بخواید هدایت می‌کند.
رباخواران را به جهنم بشارت می‌دهد.
کفران‌کننده‌ی گنهکار را دوست ندارد.
هر که را که بخواید می‌آموزد و هر که را که بخواید عذاب می‌کند.
بی‌همتا است.
بهشت را با همه‌ی امکاناتش تدارک دیده است.
همه‌ی مردم را پس از مرگ زنده می‌کند.
همه چیز را بر روی زمین آفریده است.
هفت آسمان را آفریده است.
نهان و آشکار همه چیز و آسمان و زمین را می‌داند.
بر همه چیز آگاهی دارد.
توبه‌پذیر و مهربان است.
دریا را برای قوم بنی اسرائیل می‌شکافد.
بخشنده‌ی گناهان است.
توبه را می‌پذیرد و مهربان است.
بر سر مردمان سایه می‌گستراند.
من و سلوی [ترنجبین یا شیرخشت و بلدرچین] برای مردم می‌فرستد.

به مردم از چیزهای پاکیزه روزی می‌دهد.
برخی را هم به بهشت بشارت می‌دهد.
به مومنان بشارت می‌دهد و ایشان را راهنمایی می‌کند.
به کسانی که ایمان بیاورند، پاداش می‌دهد.
به هر که بخواهد می‌بخشد هر آنچه را که بخواهد.
صاحب فضلی بزرگ است.
بر همه کاری تواناست.
فرمانروای آسمان‌ها و زمین است.
فقط اوست که یاور مسلمانان است.